

بسم الله الرحمن الرحيم

## غرائب الاشعار

(تصحیح انتقادی اشعار عربی خاقانی

به انضمام شرح و ترجمه)

دکتر یوسف اصغری بایقوت

(عضو هیئت علمی دانشگاه جیرفت)

سرشناسه	:	اصغری بایقوت، یوسف، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	:	غرائب الاشعار: تصحيح انتقادى اشعار عربى خاقانى / يوسف اصغرى بایقوت.
مشخصات نشر	:	جیرفت: دانشگاه جیرفت، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۲۸۴ ص.
شابک	:	۷-۰-۹۶۴۷۵-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. [۲۸۶] - ۲۹۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	:	نمایه.
عنوان دیگر	:	تصحيح انتقادى اشعار عربى خاقانى.
موضوع	:	خاقانی، بدیل بن علی، ۵۲۰ - ۵۹۵ق. -- نقد و تفسیر
موضوع	:	interpretation and Criticism -- Ali ibn Badil ,Khaqani
موضوع	:	شعر عربی -- قرن ۶ق. -- ترجمه شده به فارسی
موضوع	:	Persian into Translations -- century th۱۲ -- poetry Arabic
موضوع	:	شعر عربی -- قرن ۶ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	:	criticism and History -- century th۱۲ -- poetry Arabic
شناسه افزوده	:	دانشگاه جیرفت
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۵ PIR ۴۸۸۵/الف ۴۶ غ ۴
رده بندی دیویی	:	۲۳/۱۶۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۴۵۷۳۰۰



انتشارات دانشگاه جیرفت

- ♦ غرائب الاشعار(تصحيح انتقادى اشعار عربى خاقانى به انضمام شرح و ترجمه) ♦
- ♦ مؤلف: دکتر یوسف اصغری بایقوت ♦
- ♦ نوبت چاپ: اول؛ زمستان ۱۳۹۵ ♦
- ♦ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ♦
- ♦ ویراستار: مهدی دهرامی ♦
- ♦ طراح جلد: مصطفی کارگر ♦
- ♦ لیتوگرافی: فرهنگ کرمان ♦
- ♦ چاپ و صحافی: فرهنگ کرمان ♦
- ♦ شابک: ۷-۰-۹۶۴۷۵-۶۰۰-۹۷۸ ♦
- قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان

نشانی: جیرفت، کیلومتر ۸ جاده بندرعباس، دانشگاه جیرفت.

تلفن: ۰۳۴-۴۳۳۴۷۰۷۰، نمابر: ۰۳۴-۴۳۳۴۷۰۶۵

این قصیده ز جمع سبعیّات

ثامنه است از غرایب/شعار

(دیوان خاقانی، ۲۰۶)

دریغا و حسرتا!

این «ساخته بس مختصر» را که «برگِ مهمانی» خاقانِ مُلکِ شعرِ خاقانی، حضرت استاد  
«دکتر عباس ماهیار»

ساخته بودم «دهر سیه کاسه» لختی درنگ نداد تا به حضرتشان بیاورم ...  
امید روح پر فروغشان پذیرای این مختصر باشد...

«زادسروی رادمردی بر چمن پژمرده شد	ابر طوفان با ر کوتا بر چمن بگریستی
گوهری بود او که گرد و نش به نادانی شکست	جوهری کوتا بر این گوهر شکن بگریستی»

## فهرست مطالب

پیش گفتار.....	۱
مقدمه.....	۳
متن مصحح اشعار به انضمام شرح و ترجمه.....	۲۲

## الف - قصاید

۱- بَكَتِ الرَّبَابُ فَقُلْتُ أَيُّ بُكَاءٍ.....	۲۴
۲- أَنَا مُفْجِمٌ إِنِّي أَكَلِمٌ مُفْلِقٌ.....	۱۱۰
۳- شَارَفَتْ رَوْضَةَ خُلْدِ الرَّيِّ زَائِرَهَا.....	۱۱۲
۴- يَحْيَى شَيْخُ الْهُدَى فَيَحْيَى.....	۱۱۴
۵- شَرَوَانُ أُمِّ الْغُلَى لِكُلِّ أَبٍ.....	۱۲۳
۶- قَضَى خِتَامَ الْمِسْكِ تَغْرُ الْحَبِيبِ.....	۱۲۸
۷- لَتَيْنِ كُنْتُ أَفْرَغُ فِي بُرْهَةٍ.....	۱۲۹
۸- بَبْغَدَادَ فِي دَرْبِ فَالْوَدَجِ.....	۱۳۱
۹- أَمَشَرَبُ الْخَضِرِ مَاءُ بَغْدَادَ.....	۱۳۲
۱۰- يَا طَيْفَ نَاضِرَةٍ كَصَبِيحِ مُسْفَرٍ.....	۱۵۸
۱۱- وَهَا فَارَسِيًّا بِالْحِجَازِ أَشْفَعُ.....	۱۷۸
۱۲- أَطِيرُ الْغُلَى مِنْ سَانِحَاتِ الصَّنَائِعِ.....	۱۹۸
۱۳- سَمَاءُ الْمَجْدِ لِي أَرْضُ الْعِرَاقِ.....	۲۰۱

- ١٤- أَهْنِيكَ بِالنَّيْرُوزِ يَا مُقْتَدَى الْأُمَمِ..... ٢٠٥
- ١٥- أَنَا سَابِقُ الْفَضْلَيْنِ يَوْمَ رِهَانٍ..... ٢٠٧
- ١٦- كَمْ غَزَالٍ فِي حِجَالِ الْيَمَنِ..... ٢٠٩
- ١٧- أَجِدُّوا أَسَاتِي لِلنِّتَامِ جِرَاحَتِي..... ٢١٢
- ١٨- رِيَاضٌ لِلْمَحَاضِرِ وَ النَّوَادِي..... ٢١٤
- ١٩- أُحْتِي لِكَنْزِ الْفَضْلِ أَسْ مُعَانِي..... ٢١٨
- ٢٠- رُوَيْدَكَ يَا نَفْسُ لَا تَتَّعِبِي..... ٢٢٥
- ٢١- عَنَتِ الْوُجُوهُ لِمَنْصَبِ السَّمْعَانِي..... ٢٢٧

#### ب-قطعات

- ٢٢- أَفْضِلُ كَافِي الْأَبْرَارِ خَيْرًا..... ٢٣١
- ٢٣- الْبُرْدُ كَلْبُ كَلْبٍ بَارِحٌ..... ٢٣٥
- ٢٤- حَسَبْتُ عِمَادَ الدِّينِ عُودَ مُهْجَتِي..... ٢٣٧
- ٢٥- يَا صَفْوَةَ الرَّحْمَنِ شَافِعَ خَلْقِهِ..... ٢٣٩
- ٢٦- أَشْكُو إِلَيْكَ مَا بِي مِنْ لَوْعَةِ النَّصَابِي..... ٢٤١
- ٢٧- رَدَدْتُ إِلَى خَاقَانِهَا يَاءَ نَسَبَةٍ..... ٢٤٣
- ٢٨- أَقْلَةُ قَافٍ صَوَّبَ تَبْرِيزَ قُلَّتِي..... ٢٤٦
- ٢٩- إِذَا مَا عُرُوسُ الْمَكْرُمَاتِ جَلَوْنَهَا..... ٢٤٨

- ٣٠- مَرَضْتُ بِالرَّيِّ ثُمَّ خَامَرَنِي..... ٢٥٠
- ٣١- غَضَّ الزَّمانُ وَ غَضَّ عَيْنُ كَمالِهِ..... ٢٥٨
- ٣٢- رَضِيَ المَوْلى غِيَاثُ الخَلْقِ طُرّاً..... ٢٦٠
- ٣٣- نَفَثَتْ سُلْطانُ العِراقِ بِمِدْحَتِي..... ٢٦٢
- ٣٤- قالُوا خَضِيتَ فما هذا السَّوادُ لَهُ..... ٢٦٥
- ٣٥- اِلَى اللهِ فِي الحَشْرِ بَعْدَ النَّبِيِّ..... ٢٦٩
- ٣٦- اَرى اَرْضَ قَرْوَيْنَ بابَ الْجَنانِ..... ٢٧١
- ٣٧- نَزَلْتُ بِالرَّيِّ فِي خانِ اكابِدُهُ..... ٢٧٢

#### ج- ابيات ضميمه

- ٣٨- فَقُلْ وَ اشْهَدْ بَأَنَّ اللهَ واحِدٌ..... ٢٧٥
- ٣٩- اَرى فِي النَّوْمِ ما طالَتْ نَواهَا..... ٢٧٦
- ٤٠- قُمْ بِكُرَّةٍ وَ خُذْها بِاُكُورَةِ الحَيَاةِ..... ٢٧٧
- ٤١- اِذا ما الطَّيْرُ غَنَّتْ فِي الصَّباحِ..... ٢٧٩
- ٤٢- اَيْنَ اَيْنَ الكُؤُوسُ وَ الاَقْداحُ..... ٢٨٢
- ٤٣- صِدْتُ فِي بَغْدادَ ظُلَيْماً قَدْ اَلَفَ..... ٢٨٤
- ٤٤- يا رَبِّ لَيْلٍ مُظْلَمٍ قَدْ قُلْتُ يا رَبِّ ارْحَمْ..... ٢٨٦
- ٤٥- مُنْذُ قَضَى اللهُ وَ جَفَّ القَلَمُ..... ٢٨٨

٢٨٩.....	٤٦- أَفْدَى بِنَفْسِي مَنْ بَدَتْ فِي الْمَهْدِ عَنِّي غَافِلَهُ.....
٢٩٠.....	٤٧- فِي وَصْفِ مَعَالِيكَ مَعَانِي تَنَاهَتْ.....
٢٩١.....	٤٨- تَعَاطَى الْكَأْسِ مِنْ شَأْنِ الصُّبُوحِ.....
٢٩٣.....	٤٩- كُنْتُ تَعَاْفُ نَظْرَةً مِنْ لَحَظَاتِ مُقْلَتِي.....
٢٩٤.....	٥٠- رَضِيتُ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لِي.....
٢٩٦.....	٥١- مَا أَنْصَفَ نَدْمَانِي لَوْ أَنْكَرَ إِدْمَانِي.....
٢٩٩.....	فهرست آیات و احاديث.....
٣٠٢.....	منابع و مآخذ.....



## پیش‌گفتار

سرآغاز این سطور به سال ۸۹ بر می‌گردد. در ابتدا بر آن بودیم که بر اساس چاپ استاد سجادی ابیات عربی خاقانی را شرح و معنی‌کنیم، اما با مطالعه بیشتر آن، تازه دریافتیم که ابیات بسیار آشفته و دشوارتر از آن است که تصور می‌شد. اینجا بود که به ضرورت تصحیح مجدد آن پی بردیم. در آن ایام برخی ابیات را بدون دسترسی به اصل نسخه‌ها به صورت انتقادی و براساس نسخه‌بدل‌های وارد در چاپ سجادی تصحیح کردیم و در مقاله‌ای به چاپ رساندیم؛ ناگزیر به سراغ نُسخ مورد استفاده دکتر سجادی رفتیم و علاوه بر این نسخه‌ها به چند نسخه خطی دیگر نیز دست یافتیم، اما آن نسخه‌ها به جز نسخه (مج ۲) آن هم به ندرت گرهی از کار نگشودند. در نهایت، چهار نسخه خطی و سه نسخه چاپی که در مقدمه معرفی آنها آمده است، مبنای تصحیح قرار گرفت. از آنجا که نسخه (مج ۱) از نظر صحت و اصالت متن ارجحیت بیشتری داشت، نسخه اساس، و نسخه (ل) که بخش قابل توجهی از ابیات عربی خاقانی را منحصرأ دارا بود در اولویت دوم قرار گرفت.

برای آنکه تمامی ابیات عربی دیوان خاقانی در این اثر جمع آید دیگر ابیات عربی خاقانی را که در اثناء قصاید و غزلیات فارسی وی آمده است، با عنوان «ابیات ضمیمه» بعد از قصاید و قطعات وارد کردیم. مجموع ابیات مصحح در این متن به ۵۴۲ بیت می‌رسد که از این تعداد ۵۰۱ بیت آن به قصاید و قطعات، و ۴۱ بیت آن به ابیات ضمیمه اختصاص دارد.

از آن جهت که اغلب اشعار عربی خاقانی همچون اشعار فارسی وی مبهم و دشوار و دریافت معنی آنها نیازمند شرح و تفسیر بود، این مهم نیز با استفاده از منابع مختلف و دیگر آثار خاقانی برای تک تک ابیات، بعد از متن مصحح آنها فراهم گردید. گاهی به ندرت بعد از معنی برخی ابیات، علامت سؤال (?) نیز آمده است؛ این علامت بیانگر آن است که معنی ارائه شده - به جهت تعقید و ابهام متن بیت - همچنان نیاز به تأمل بیشتری دارد.

اثر حاضر حاصل تلاش‌های چندین ساله نگارنده و اولین کار جدی در این زمینه است و به جرئت می‌توان گفت که در این سطور بسیاری از آشفتنگی‌ها و دشواری‌های اشعار عربی خاقانی

سامان یافته و طلسم غرابت آن به کلی شکسته شده است، با وجود این، نگارنده معترف است که صورت مصحح برخی از ابیات همچنان جای تأمل دارد و ممکن است چنین مواردی با دسترسی به نسخه‌های دیگر، مجدداً تصحیح شود.

امید است اثر حاضر برای شناختن اشعار عربی خاقانی مفید و یاریگر باشد و در این زمینه منبعی معتابه تلقی گردد. نگارنده در پایان انتظار دارد که خوانندگان عزیز اگر مطالبی را شایسته یادآوری و اصلاح جدی ببینند، از تذکر آن دریغ نورزند که بی‌شک نظرشان درخور امتنان خواهد بود، و الا به دیده انصاف بنگرند و برخی سهوهای قلمی را بر این جانب ببخشایند؛ «إِنَّ الْإِعْتِرَافَ بِالنَّقْصِ كَفَيْلٌ بِنَيْلِ الْعَفْوِ».

دوستانی در سامان یافتن این کتاب به نوعی سهیم‌اند که سپاسگزاری از آنان بر راقم این سطور فریضه است، آقای احمد امیدعلی که سال‌ها پیش متن اشعار عربی را با دقت تمام تایپ کرده‌اند. دکتر مهدی دهرامی همکار فاضلم که نه تنها در این مسیر مایه دلگرمی بنده بوده، بلکه ویرایش و صفحه‌آرایی این اثر نیز حاصل زحمات ایشان است؛ دکتر عزیز حجاجی کهجوق، آن عالم وارسته‌ای که سیاهه این نوشته را با حوصله وافی و تأمل کافی مطالعه کرده‌اند و بسا پیشنهادهای استحسان‌ی مطرح فرموده و در مواردی نیز خطاهای نگارنده را به اصلاح آورده‌اند؛ دکتر وحدت مهدی، فاضل دانش دوستی که از هیچ کوششی دریغ نورزیده خاصه که فراهم آمدن نسخه‌های عکسی (مج ۱) و (مج ۲) به سعی ایشان بوده است؛ دکتر محمد حجازی فرد دانشور و سید بزرگواری که هم سبب آشنایی بیشتر این جانب با استاد دانشمند دکتر نصرالله امامی گردیده و هم تصویر چاپ سنگی هند دیوان خاقانی را از آن استاد دریافت کرده و برایم فرستاده‌اند. خدای بزرگ این عزیزان را همواره سرفراز و سعادتمند گرداند. ناگفته‌نماند که اثر حاضر در قالب طرحی تحقیقاتی در دانشگاه جیرفت به سامان رسیده و با مساعدت انتشارات آن دانشگاه نشر یافته است. ولله الحمد اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً.

یوسف اصغری بایقوت

بایقوت - مرداد ۱۳۹۵

## مقدمه

خاقانی از فحول شعرای قرن ششم و بزرگ‌ترین شاعر پارسی‌گوی آذربایجان و قفقاز است. جایگاه رفیع و منحصر به فرد وی در حوزه شعر و سخن نه تنها بر شاعران و سخنوران آن روزگار معلوم بوده است بلکه امروزه نیز بر هیچ محقق و ادیبی پوشیده نیست؛ اگر آن روز شاعر در آثار و اشعارش به برتری خود نسبت به اقرائش می‌بالید و همه آنان را عیال و ریزه‌خوار اشعار خود می‌دانست، امروز نیز نزد همه روشن و مسلم است که این نوع ادعاهای خودستایی‌های وی صرفاً ناشی از احساسات شاعرانه یا آن‌چنان‌که برخی از محققان امروزی پنداشته‌اند از عقده حقارت نبوده است؛<sup>۱</sup> برتری بلامنازع خاقانی در عرصه شعر و سخن بر اقران و امثالش در عصر خود، و بعدها اقبال شاعران بزرگی چون عطار، سعدی، مولوی و حافظ و ...<sup>۲</sup> به آثار و اشعار وی این حقیقت را بعینه روشن و مسلم می‌کند، و وی را از اتهام عقده حقارت مبرا می‌دارد.

خاقانی از سخنگویان قوی طبع و بلند فکر و یکی از استادان بزرگ زبان پارسی و در درجه اول از قصیده‌سرایان عصر خویش می‌باشد. او «از آن سخن‌سرایان است که به نیروی طبع بلند و اندیشه توانا و قریحه سرشار خود برآوردن هرگونه معنی (مانوس و نامانوس) و نمایاندن همه مضامین در کسوت الفاظ توانا بوده و در رام کردن معانی صعب اقتداری بنهایت داشته‌اند».<sup>۳</sup>

اطلاعات وسیع علمی خاقانی از یک سو و محیط زندگی و فرهنگی خاص آذربایجان از سوی دیگر سبب گردیده است که وی سبک و «شیوه‌ای تازه نه رسم باستان» بیاورد؛ شیوه‌ای که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در آثار شاعران بزرگ آن دیار چون نظامی گنجوی، و در آثار شاگردان و مقلدان خاقانی نظیر مجیر بیلقانی و اثیر اخسیتکی و غیره دید. با این تفاوت که خاقانی «در قصاید خود اسلوبی خاص و طرزی مخصوص داشته که شعرای دیگر نداشته‌اند بلکه [این ویژگی] از مختصات خودش می‌باشد».<sup>۴</sup>

۱ - ر. ک: دیدار با کعبه جان، عبدالحسین زرین‌کوب، صص ۱۳-۱۵ و نیز: با کاروان حله، صص ۱۸۷ و ۱۸۹.

۲ - ر. ک: خاقانی شاعری دیر آشنا، علی دشتی، صص ۸۸-۱۴۱؛ حافظ نامه، بهاءالدین خرمشاهی، صص ۴۲-۴۹.

۳ - سخن و سخنوران، بدیع‌الزمان فروزانفر، ص ۶۱۴.

۴ - ریحانة الادب، میرزا محمدعلی مدرس، ج ۲، ص ۱۱۰.

اشعار خاقانی که یکی از ذخایر عظیم ادبی است به دلایلی از جمله اشتغال بر علوم مختلف و سبک و شیوه خاص شاعر غریب و نامأنوس می‌نماید. احاطه خاقانی به اغلب علوم و اطلاعات و اسمار مختلف عهد خود و استفاده از آن همه اطلاعات در تعاریض کلام خود موجب دشواری و غرابت بخشی از اشعارش شده است.<sup>۱</sup> سبک و شیوه خاص خاقانی نیز موجب دشواری و غرابت شعری وی گشته است؛ شیوه و سبکی که «بر پدید آمدن معنی‌های ناآشنا و آفریدن تعبیرات تازه مبتنی است. دقت در توصیف که موجب تشبیه‌های غریب و تعبیرهای بی‌سابقه است، و غور در مناسبات لفظی و معنوی که سبب ابداع معانی نو و صنایع بدیع می‌شود ... و این نکته گاه منتهی می‌شود به این که سخن وی زیاده مشکل و غریب جلوه می‌کند».<sup>۲</sup>

عامل مهم دیگری که فهم اشعار خاقانی را دشوار و پیچیده می‌کند بهره‌وری سروده‌های وی از زبان‌های مختلف به خصوص فارسی و عربی و ترکی است. ورود و تلاقی همزمان این زبان‌های مختلف ناهمگون در آثار شاعر موجب دشواری و دیر فهمی اشعار او شده است. بنابراین کسی که به هر کدام از این زبان‌ها آشنایی نداشته باشد مسلماً از عهده فهم بخش‌هایی از اشعار خاقانی برنخواهد آمد. استاد فروزانفر نیز همین امر را علت دشواری بخشی از اشعار خاقانی دانسته و گفته است: «احاطه خاقانی بر لغات فارسی و عربی و اصطلاحات فلاسفه و اطبا و دقت ادبی او در ترکیب الفاظ سبب پوشیدگی آراء و افکار ساده وی گردیده».<sup>۳</sup> البته جهت تکمیل سخن استاد فروزانفر باید لغات ترکی را نیز بدان افزود که از نگاه تیزبینانه آن استاد به دور مانده است. در آثار خاقانی مسلماً بیشترین سهم از نظر زبانی از آن فارسی و عربی است و از این منظر سهم زبان ترکی به حداقل می‌رسد؛ اما نباید تأثیر زبان و فرهنگ ترکی را در آثار خاقانی نادیده گرفت چرا که بسیاری از بن‌مایه‌ها و مضامین شعری خاقانی برگرفته از آن زبان و فرهنگ است. ناگفته نماند که برخی از محققان اصلاً دلیل پیچیدگی زبان خاقانی را حمل بر این کرده‌اند که: «پارسی زبان مادری او نبوده و به قوه فرو رفتن در کتب لغت و ادب و کثرت مراجعه به استادان پیشین این

۱ - رک: تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح‌الله صفا، جلد دوم، صص ۷۸۲ و ۷۸۳.

۲ - دیدار با کعبه جان، عبدالحسین زرین‌کوب، ص ۲۰.

۳ - سخن و سخنوران، ذبیح‌الله صفا، صص ۶۱۵.

تسلط کم نظیر برای وی حاصل شده است.<sup>۱</sup> «و عده‌ای نیز همین زبان ترکی را زبان مادری خاقانی دانسته‌اند.<sup>۲</sup> به هر حال این گفته‌ها حاکی از آن است که در آثار خاقانی نمی‌توان تأثیر زبان و فرهنگ ترکی را نادیده گرفت.

از قدیم‌الایام کسانی به شرح و تبیین اشعار خاقانی پرداخته‌اند و گاهی بخشی از اشعار دیوان او را و گاهی فقط ابیات دشوار آن را شرح کرده‌اند و گاهی نیز از زاویه‌های مختلف و به صورت موضوعی دیوان وی را بررسی نموده‌اند.

در این سطور بحث ما بر سر اشعار عربی خاقانی است که همچون اشعار فارسی وی سخت مبهم و دشوار می‌نماید. بخشی از این دشواری را باید ناشی از عدم ضبط صحیح نسخه‌های خطی و چاپی و بخشی دیگر آن را مربوط به ویژگی سبک خاص شاعری وی دانست. نیز سروده شدن این اشعار به زبان عربی خود به خود دشواری آن را دوچندان کرده است. البته عدم توجه محققان به این بخش از اشعار خاقانی خود عامل مهم دیگری است که موجب گردیده است که دشواری و آشفته‌گی آن همچنان به قوت خود باقی بماند.

اشعار عربی خاقانی با آنکه غرائب است اما همچنان غریب مانده است به طوری که کمتر محققى را از گذشته تا کنون می‌توان یافت که از اشعار عربی خاقانی سخنی در خور گفته باشد. استقرائی که در چند اثر معروف صورت گرفت این گفته را تأیید می‌کند؛ نویسنده کتاب «دانشمندان آذربایجان» با آنکه مهارت و فضایل خاقانی را در شاعری و سخنوری به خوبی توصیف کرده است اما اصلاً به عربی‌دانی و عربی‌گویی وی اشاره‌ای نداشته است.<sup>۳</sup> نویسنده ریحانة الادب نیز توجهی بدین موضوع نداشته است.<sup>۴</sup> ذبیح‌الله صفا با آنکه تحقیق مفصل و مبسوطی درباره خاقانی

۱ - خاقانی شاعری دیر آشنا، علی دشتی، ص ۲۰ و نیز ر.ک: قلمرو سعدی از همین نویسنده، صص ۱۰۴ و ۱۰۵.

۲ - ر.ک: خاقانی شروانی (حیات، زمان و محیط او)، غفار کندلی هریسچی، ص ۶۳؛ و نیز: ر.ک: افضل‌الدین خاقانی شروانی (فصلی از تاریخ ادبیات آذربایجان)، م. سلطانف، با ترجمه حسین صدیق، صص ۴۷ و ۴۸.

۳ - ر.ک: دانشمندان آذربایجان، محمدعلی تربیت، صص ۱۲۹-۱۳۲.

۴ - ر.ک: ریحانة الادب، میرزا محمدعلی مدرس، ج ۲، صص ۱۰۹-۱۱۵.

ارائه داده اما از پرداختن بدین موضوع چشم پوشی کرده است.<sup>۱</sup> استاد فروزانفر نیز در کتاب ارزشمندش «سخن و سخنوران» سخنی از سروده‌های عربی خاقانی به میان نیاورده است.<sup>۲</sup> ادوارد براون نیز در این زمینه با محققان ایرانی همسو شده و از توجه به سروده‌های عربی خاقانی غافل مانده است.<sup>۳</sup> علی دشتی هم در کتاب «خاقانی شاعری دیر آشنا» که مخصوصاً درباره خاقانی نوشته است همچنان این بخش را نادیده گرفته است. در میان متقدمان عبدالرحمان جامی آنجا که به شرح حال خاقانی پرداخته به تناسب موضوع بحث اشاره‌ای به یکی از قصیده‌های عربی خاقانی کرده است. او می‌گوید: «وی در زمان خلافت المستضی بنورالله بوده، و در قصیده‌ای عربی که در مدح بغداد گفته، ذکر وی کرده.»<sup>۴</sup> از محققان معاصر غفار کندلی هریسچی شاید نخستین کسی است که از پرداختن به اشعار عربی خاقانی غافل نمانده و به تناسب بحث گاهی اشاره‌ای بدین بخش از اشعار شاعر نموده است و بعضاً از تعدادی از این ابیات نیز ترجمه‌ای آزاد ارائه داده است.<sup>۵</sup> استاد سلطائف نیز چهار بیت از اشعار عربی خاقانی را ترجمه کرده است.<sup>۶</sup> استاد شفیعی کدکنی نیز در مقاله‌ای به تناسب بحث، چهار بیت از اشعار عربی خاقانی را تصحیح و ترجمه نموده است.<sup>۷</sup> راقم این سطور هم طی مقالاتی که در این کتاب اغلب بدانها اشاره رفته این بخش از اشعار عربی خاقانی را مورد بررسی قرار داده است. تنها جایی که ترجمه‌ای از تمامی اشعار عربی خاقانی

۱ - ر.ک: تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، دبیح‌الله صفا، صص ۷۷۶-۷۹۴.

۲ - ر.ک: سخن و سخنوران، بدیع‌الزمان فروزانفر، صص ۶۱۲-۶۸۴.

۳ - ر.ک: تاریخ ادبیات ایران (از فردوسی تا سعدی)، ادوارد براون، ترجمه غلامحسین صدری افشار، صص ۸۴-۸۵.

۴ - نفحات الانس من حضرات القدس، نورالدین عبدالرحمان جامی، تصحیح دکتر محمود عابدی، ص ۱۳۷۰.

۵ - ر.ک: خاقانی شروانی (حیات، زمان و محیط او)، غفار کندلی هریسچی، ترجمه میرهدایت حساری، صص ۴۴، ۲۵۳، ۳۱۷، ۵۸۳، ۳۶۵.

۶ - ر.ک: افضل الدین خاقانی شیروانی (فصلی از تاریخ ادبیات آذربایجان)، م. سلطائف، با اقتباس و ترجمه حسین صدیق، ص ۳۶.

۷ - «نکته‌های نو یافته درباره خاقانی، محمد رضا شفیعی کدکنی»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۸۵، دوره ۵۱،

دیده می‌شود<sup>۱</sup> چاپ لکنهو است که تحت عنوان «کلیات خاقانی» در سال ۱۲۹۳ در دو مجلد و ۱۵۸۲ صفحه چاپ سنگی شده است. این چاپ حاوی شرحی است که توسط مولانا سید محمد صادق علی غالب لکنهوی در حواشی صفحات نگاشته شده است. در بخش اشعار عربی ترجمه ابیات در زیرشان آمده و سپس در ذیل و حواشی ابیات، توضیح لغات و شرح ابیات نوشته شده است. البته اشعاری نیز به عربی در این چاپ وارد است که با سبک کلام خاقانی تناسب و قرابتی ندارد. این چاپ از نظر علمی فاقد اعتبار و ارزش است؛ صورت ابیات عربی در این چاپ به مراتب آشفته‌تر و مغلوط‌تر از دیگر چاپ‌هاست و ترجمه‌ای که بر این ابیات مغلوط نوشته شده بی‌معنی‌ترین معنی‌هاست، حتی معانی ذکر شده بدون تطبیق با متن ابیات نیز همچنان بی‌معنی و نامفهوم است.

نه تنها تذکره‌نویسان و محققان گذشته و امروزی نسبت به اشعار عربی خاقانی بی‌مهری و کم‌لطفی نشان داده‌اند، مصححان دیوان خاقانی نیز چنان که باید و شاید استقصای بلیغ نکرده و تصحیح معتبر و متقنی از آن ارائه ننموده‌اند.

### ویژگی اشعار عربی خاقانی

به طور کلی می‌توان گفت آنچه از موضوعات، مضامین و تصاویر در اشعار فارسی خاقانی دیده می‌شود، در اشعار عربی وی نیز موجود است. چنان‌که می‌دانیم بخش اعظم اشعار خاقانی به مدح و ستایش پادشاهان و امیران و شخصیت‌های دینی اختصاص دارد. او در اشعار عربی خود نیز همان شیوه را پی گرفته است. بخشی از این مدایح درباره پادشاهان و امرای وقت است که در آنها به نام ممدوحان نیز اشاره شده است؛ ابیاتی نیز وجود دارد که ممدوحانش مشخص نیست. البته برخی سرزمین‌ها و شهرها همچون بغداد، عراق، یمن، شروان، تبریز، قزوین، اصفهان و ری نیز از

---

۱- البته در سال ۱۳۸۹ کتابی با عنوان «آفتاب نهان خاقانی» در شرح و ترجمه اشعار عربی خاقانی به قلم علیرضا رضایی حمزه‌کندی و وحید رضایی حمزه‌کندی از سوی انتشارات بوتای ارومیه منتشر گردید که نه تنها گرهی از کار نگشود بلکه به نوبه خود آشفته‌گی این بخش را دوچندان نمود. ر. ک: «نقد کتاب آفتاب نهان خاقانی» به قلم نگارنده و مهدی دهرامی، نشریه کتاب ماه ادبیات، سال پنجم، شماره ۵۲، پیاپی ۱۶۶، ۱۳۹۰.

ستایش خاقانی بی بهره نمانده‌اند. علاوه بر دو بیتی که در مدح نبی مکرم اسلام (ص) سروده است، شخصیت‌های دینی و مذهبی نیز نظیر امام محمد یحیی، امام جلال الدین خواری، بابویه رافعی، محمد سمعانی و ... نیز مدح شده‌اند.

یأس و ناامیدی، شکوه و شکایت از روزگار و بدبینی و انزجار از ابنای عالم موضوعی است که بر کل آثار خاقانی سایه انداخته است. با این همه شاعر دامن مناعت و عزت خود را از آلوده شدن مصون می‌دارد و در عین فقر استغنا می‌ورزد و بدین جهت که خاقان کلام و سابق الفضلین یوم الرهان است، سخت می‌بالد و با ذکر چنین مواردی عنان سخنش را به وادی مفاخره می‌کشد. همین موضوعات و مضامین مشترک موجب شده که شاعر در بسیاری از موارد تن به تکرار دهد؛ البته بیشتر این تکرارها در مضامین و محتواست، هرچند گاهی این تکرارها به حوزه زبانی نیز تسری پیدا می‌کند. تصویر آفرینی شاعر با بهره‌بردن از باورهای قدیمی، نجوم، طب، شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای از دیگر اشتراکات شعری تازی و پارسی وی محسوب می‌شود.

آنچه در اینجا شایان ذکر است این است که خاقانی در قصیده بلندی که در مدح خواجه جلال الدین خواری سروده، گویی به استقبال معلقات سبع رفته است.<sup>۱</sup> نه تنها سرآغاز این قصیده از نظر ساختار کاملاً شبیه معلقات است، بلکه استفاده شاعر از کلمات کهن و خاصی که بیشتر در معلقات دیده می‌شود، این قرابت و شباهت را بیشتر نمایان می‌کند. از تطبیق این قصیده با معلقات می‌توان گفت که خاقانی از میان آنها بیشتر به معلقه امرؤ القیس، طرفه بن عبد و ولید بن ربیعہ نظر داشته است. این قصیده با در نظر گرفتن تعداد ابیات آن مهارت و استادی خاقانی را در سرودن اشعار عربی به خوبی نشان می‌دهد و صحت ادعاهای او را به اثبات می‌رساند. راقم این سطور قصیده مذکور را «معلقه خاقانی» می‌نامد، هرچند این قصیده گوی سبقت از معلقات نمی‌برد.

تسلط بی‌حد و حصر خاقانی بر زبان عربی و ریزه‌کاری‌های آن، مایه اعجاب است. سرودن اشعاری با قافیه‌های دشوار و هنری، رعایت اعنات و لزوم مالایلزم و مضمون سازی از تمامی

۱ - رک: «مقایسه تطبیقی ساختار و محتوای قصاید عربی خاقانی با معلقات سبع»، به قلم نگارنده و مهدی دهرامی، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۳، شماره ۳، صص ۲۷-۴۷.



معلوماتِ خود، نشان‌دهنده تسلط و آشنایی او به زبان عربی است و چنین امری غالباً از عهده هر شاعری برنمی‌آید، اما حقیقت آن است که این بخش از اشعار خاقانی به اعتبار صورت و معنی با هم برابری ندارد کفّه صورتش بر کفّه معنی آن همواره سنگینی می‌کند؛ گرچه از حیث صورت غنی و سمین گشته، اما در معنی فقیر و نحیف مانده است. الحق باید پذیرفت که «رنج خوانندگان در ادراک مقاصد او با نتیجه‌ای که پس از غور و دقت و مراجعه به شروح حاصل می‌کنند برابر نیست.<sup>۱</sup>»

### شیوه تصحیح و پژوهش

در این متن، اشعار عربی خاقانی بر اساس چهار نسخه معتبر خطی (لندن، مجلس ۱، مجلس ۲، پاریس) و سه نسخه چاپی معروف (عبدالرسولی و سجادی و کزازی) و نیز با توجه به معیارهایی چون زبان و بیان و سبک شاعر تصحیح شده است. در میان نسخ موجود و معروف از دیوان خاقانی، نسخه مجلس ۱ را می‌توان فعلاً معتبرترین نسخه دیوان خاقانی تلقی کرد،<sup>۲</sup> چه هم از قدمت و اصالت بیشتری برخوردار است و هم ضبط‌های فاسد در آن نسبت به نسخ دیگر اندک است. بدین جهت نسخه مذکور در این تصحیح به عنوان نسخه اساس در نظر گرفته شد. نسخه لندن نیز با توجه به قدمت و اعتبار خود در اولویت دوم قرار گرفت. اما از آنجا که بخشی از اشعار عربی خاقانی صرفاً در نسخه لندن موجود بوده در چنین مواردی خود، نسخه اساس محسوب گردیده است.

مصحح تا جایی که توجیهی بر ضبط‌های موجود در نسخه اساس داشته، عدول از آن را به هیچ وجه جایز ندانسته است اما از آنجا که در تصحیح متون خصوصاً متن‌های ادبی توجه و تکیه به هر کدام از شیوه‌های رایج در امر تصحیح به تنهایی کارساز نیست و مصحح را در یافتن متنی متقن و مورد اعتماد یاری نمی‌کند، از این روی در مواردی که فاسد بودن ضبطی در نسخه‌ای مسلم و قطعی

۱ - سخن و سخنوران، ص ۶۱۶.

۲ - شایان ذکر است که داوری در مورد نسخه‌های خطی و چاپی، استنتاج و استنباطی است که صرفاً از بررسی اشعار عربی خاقانی حاصل آمده است.

می‌نمود و از روی نسخه‌ها هم صورت صحیح آن به حاصل نمی‌آمد، ناگزیر به تصحیح قیاسی روی آورده است. علاوه بر این در مواردی نیز برای اثبات ضبط صحیح بیتی یا واژه‌ای از دیگر آثار نظم و نثر فارسی خاقانی مددجسته است.

در شرح و ترجمه ابیات سعی بر آن بوده است که از کلی‌گویی پرهیز گردد و در عین حال ترجمه روشنی از ابیات ارائه شود و از سویی مترجم به متن اصلی وفادار بماند، به طوری که خواننده بتواند ترجمه را با متن ابیات مطابقت دهد و به ترجمه دقیق آن دست یابد. از این جهت عبارات و جملاتی که جهت تبیین و تشریح بیشتر ضروری می‌نمود، داخل کروشه ذکر گردید. در توضیح لغات سعی شده است که اغلب واژگان ترجمه شود و خواننده را از مراجعه به فرهنگ لغات بی‌نیاز سازد. از آنجا که اشعار خاقانی سرشار از باورها و تلمیحات و اشارات تاریخی و اسطوره‌ای و قرآنی و علمی است و بدون توجه بدین موارد اغلب نمی‌توان از عهده فهم اشعار وی برآمد، عنداللزوم چنین مواردی را تحت عنوان نکته و یا نکته‌ها یادآوری کرده‌ایم.

## معرفی نسخه‌ها

مشخصات نسخه‌هایی که در تصحیح از آنها استفاده شده اختصاراً بدین شرح است:

۱- مج ۱: این نسخه در کتابخانه مجلس با شماره ثبت ۹۷۶ موجود است. این نسخه ظاهراً کهن‌ترین نسخه می‌باشد که در اواخر قرن ششم یا اندکی پس از آن به خط نسخ خوب نگارش یافته است. این نسخه دارای ۷۳۰ صفحه (۳۶۵ برگ) که ۱۷۰ صفحه آن به کلی نو نویس است. از این روی برخی از اشعار مکرر ضبط شده است. اعراب‌گذاری ابیات عربی - با آن که دقیق و قابل اعتنا نیست - از دیگر ویژگی ممتاز این نسخه به حساب می‌آید. ما در متن خود، این نسخه را به جهت صحت ضبط و قدمت و اصالت آن، نسخه اساس قرار داده‌ایم. از مجموع ابیات عربی ذکر شده در چاپ سجادی تقریباً ۱۵۷ بیت آن در نسخه مجلس نیامده است و از این تعداد هم ۱۱۱ بیت آن فقط در نسخه لندن و ۴۶ بیت باقی‌مانده در نسخه پاریس آمده است. از آنجا که قراین و شواهد حاکی از صحت انتساب این ۱۵۷ بیت به خاقانی است ما نیز همچون چاپ سجادی این ابیات را از نسخه‌های خطی لندن و پاریس در تصحیح خود وارد کرده‌ایم.

۲- مج ۲: این نسخه در کتابخانه مجلس با عنوان «دیوان خاقانی با حواشی» با شماره ثبت ۲۰۸۲۳۳ و شماره قفسه ۱۷۰۶۸ موجود است که دارای ۶۵۴ صفحه و شامل تحفه‌العراقین و کلیات دیوان خاقانی می‌باشد. این نسخه با تحفه‌العراقین آغاز می‌شود و با اشعار دیوان خاقانی به پایان می‌رسد. نسخه مذکور در کاغذ قهوه‌ای روشن، با خط نستعلیق خوب نوشته شده است و با خط تحریری متفاوت گاهی توضیحاتی بدان افزوده که اغلب این امر از زیبایی ظاهری نسخه کاسته است. تاریخ دقیق کتابت نسخه مشخص نیست؛ البته در میان مطالب آشفته و حواشی نوشته شده در صفحه آغازین و پایانی نسخه، سه تاریخ متفاوت مشهود است؛ بدین توضیح که در صفحه آغازین تاریخ ۱۰۴۵ شهر شوال و در صفحه پایانی تاریخ‌های ۱۲ شوال ۱۲۵۹ و ۱۴ ربیع‌الاول ۱۲۶۴ قید شده است اما ظاهراً این تاریخ‌های اخیر مربوط به صاحبان نسخه می‌باشد. تاریخ‌های مذکور هرچند زمان دقیق کتابت نسخه را نشان نمی‌دهد اما گویای آن است که کتابت این نسخه باید در همان قرن ۱۱ صورت گرفته باشد در این نسخه هرچند مانند دیگر نسخ، ضبط‌های مغلوط بسیاری راه یافته است اما در مواردی ضبط صحیح برخی از واژگان و ابیات را در آن یافتیم. تعداد

ابیات عربی و صحت و سقم آن دارای بحث است. ما فقط ابیات مشترک آن را در ارتباط با دیگر نسخ مد نظر قرار داده‌ایم و از ضبط ابیاتی که صرفاً در این نسخه آمده بود، پرهیز کرده‌ایم. از آنجا که این نسخه نیز همانند نسخه نخست در مجلس موجود است، برای تمییز این دو از همدیگر نسخه نخست را - که در تصحیح سجادی با علامت اختصاری (مج) یاد شده است - (مج ۱) و نسخه مورد بحث را با علامت اختصاری (مج ۲) معرفی کرده‌ایم.<sup>۱</sup>

۳- ل: اصل این نسخه متعلق به کتابخانه بریتیش میوزیوم لندن است. این نسخه بنا به تاریخی که در آن نوشته شده، مربوط به سال ۶۶۴ هجری و ظاهراً قدیمی‌ترین نسخه مورخ از دیوان خاقانی است. نسخه عکسی این نسخه در کتابخانه ملی تهران با مشخصات (OR.۷۹۴۹ / مورخ ۶۶۴ به شماره عکسی ۱۱۹) موجود است. این نسخه با مجموع ۴۶۱ بیت بیشترین اشعار عربی خاقانی را داراست. در میان نسخ خطی موجود معروف، صورت برخی ابیات و قطعات عربی را تنها در این نسخه می‌توان دید که اتفاقاً بیشترین بخش دشواری و پیچیدگی اشعار عربی خاقانی نیز ناظر به همین قسم است. از سویی چون این ابیات با سبک شعری خاقانی قرابت و همخوانی دارند نمی‌توان آن را نادیده گرفت. این نسخه نیز با وجود قدمت بیشتر، از سهو و خطاهای فاحش به دور نیست. در متن ما این نسخه در اولویت دوم قرار گرفته و با علامت اختصاری (ل) معرفی شده است.

۴- پا: این نسخه متعلق به کتابخانه ملی پاریس است که ظاهراً در قرن نهم هجری نگاشته شده است. تک نسخه عکسی از آن در کتابخانه ملی تهران به شماره ۱۸۱۶ موجود می‌باشد. تعداد ابیات عربی در این نسخه نسبت به نسخه مجلس ۱ و لندن اندک است. مجموعاً ۴۶ بیت از قصیده نخست در این نسخه آمده است که در نسخه‌های خطی دیگر نیست. این نسخه از نظر ضبط صحیح ابیات چندان دقیق و قابل اعتماد نیست. نگارنده این نسخه را در کتابخانه ملی تهران از نزدیک رؤیت کرده و به ضبط صحیح چند بیتی - که در دیگر نسخ نیامده و در نسخه سجادی هم به اشتباه ضبط شده - دست یافته است. از این نسخه با علامت اختصاری (پا) یاد کرده‌ایم.

۱ - برای اطلاع بیشتر رک: به مقاله نگارنده با عنوان: «معرفی یکی از نسخه‌های خطی دیوان خاقانی (نسخه‌ای کارآمد در تصحیح ابیات عربی خاقانی)»، صص ۵۴۶-۵۵۲.

۵- ع: این تصحیح نخستین تصحیح انتقادی و مشهور از دیوان خاقانی است که توسط استاد علی عبدالرسولی در سال ۱۳۵۷ خورشیدی به تعداد ۹۷۹ صفحه در چاپخانه مروی نشر گردیده است. تعداد ابیات عربی در این چاپ حدود ۳۱۲ بیت و در مقایسه با تعداد ابیات دیگر نسخ بسیار اندک است. معلوم است که ایشان به نُسخ معتبر دیگری از جمله مجلس ۱ و لندن اعتنایی نداشته‌اند. این چاپ در مواردی برای دست‌یافتن به ضبطی صحیح، مفید و درخور توجه و اعتناست، اما همچون دیگر نسخ خطی و چاپی باز آشفته و پریشان می‌نماید. این نسخه که در چاپ سجادی با نشانه اختصاری (ط) یاد شده در متن ما با نشانه (ع) آمده است.

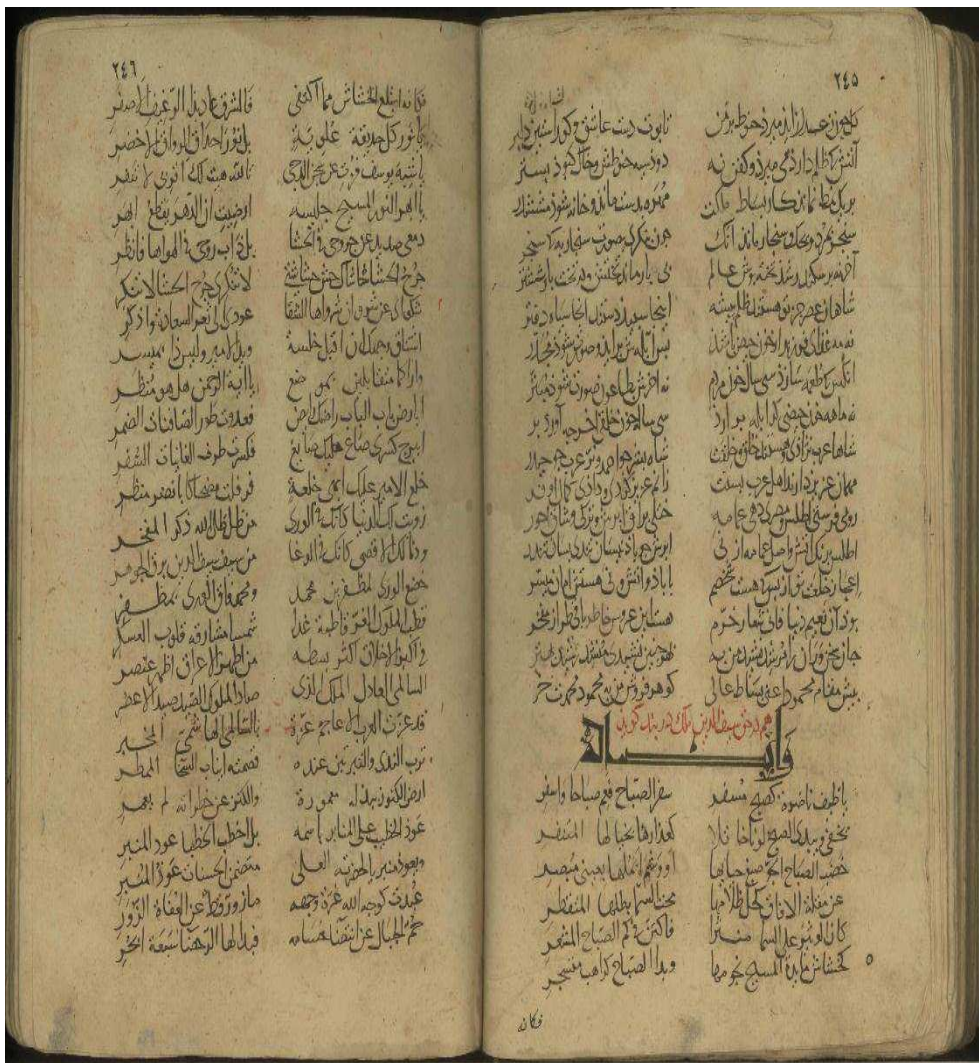
۶- س: این تصحیح به همت استاد ضیاءالدین سجادی و بر اساس چهار نسخه خطی و چاپ عبدالرسولی صورت گرفته و تاکنون معتبرترین چاپ از دیوان خاقانی است. تعداد ابیات عربی وارد شده در این چاپ به ۵۰۱ بیت می‌رسد. این چاپ با اینکه توانسته نسبت به چاپ عبدالرسولی بسیاری از اغلاط را تصحیح کند اما باز آن‌چنان‌که باید و شاید از گزینش ضبط‌های مغلوط مصون نمانده است. سجادی در تصحیح خود نسخه لندن را در اولویت نخست و نسخه مجلس ۱ را در اولویت دوم قرار داده است. اما نسخه مجلس ۱ به مراتب دقیق‌تر و استوارتر از نسخه لندن است، بدین جهت در تصحیح ما جای این دو با هم عوض شده است. نسخه سجادی محاسن بیشتری نسبت به دیگر نسخ چاپی خاقانی دارد و بی‌شک فضل تقدّم و تقدّم فضل از آن ایشان است اما در بخش اشعار عربی برخی ایرادات جدّی نیز بر این چاپ وارد است، از جمله اینکه مصحح در ضبط نسخه‌ها چندان دقیق نبوده است؛ گاه با استناد به نُسخ خطی و چاپی ضبط‌هایی را وارد کرده که هیچ تناسبی با نسخه مرجع آن ندارد، با اینکه مصحح بر آن است که تصحیحش «با هریک [از نسخه‌ها] جداگانه مقابله به عمل آمد و موارد اختلاف نسخ دقیقاً یادداشت گردید.»<sup>۱</sup> این نسخه در متن ما با نشانه (س) آمده است.

ک: این نسخه چاپی به کوشش میرجلال‌الدین کزازی از روی تصحیحات سجادی و عبدالرسولی ویراسته شده است. تعداد ابیات عربی این نسخه همان است که در نسخه سجادی آمده، بلکه به همان اندازه نیز حاوی ضبط و گزینش‌های غلط است. خود نویسنده بدین امر اذعان کرده و

۱ - مقدمه دیوان خاقانی، چاپ سجادی، صفحه چهار.

می‌نویسد: «سرودهای تازی خاقانی، تا آنجا که بر پایه برنوشته و پچین‌ها امکان‌پذیر بود، ویراسته آمد؛ اما هنوز این سروده‌ها، آن‌چنان‌که می‌سزد سخته و پخته ویراسته نشده‌است، و بررسی و درنگ دیگر باره در آنها بر پایه آبشخورها و برنوشته‌های دیگر و فزون‌تر می‌طلبند<sup>۱</sup>». از معایب فاحشی که تنها در این چاپ صورت گرفته این است که مصحح در مواردی قطعات چهاربیتی را دو تکه کرده و به صورت دو قطعه دو بیت مجزا در نظر گرفته‌است و این خطا از آنجا ناشی شده است که ایشان به نسخه‌های خطی واقعی ننهاد و صرفاً به نسخه چاپی سجادی التفتات کرده‌است. این امر دقیقاً در قطعاتی صورت گرفته که در چاپ سجادی به مقتضای صفحه‌بندی کتاب، دو بیت نخست قطعه‌ای در آخر صفحه‌ای و دو بیت دیگر آن در آغاز صفحه بعدی آمده‌است و بدان اساس مصحح این چاپ نیز آنها را مستقل و جداگانه فرض کرده‌است. اما از محسّنات این چاپ یکی اعراب‌گذاری ابیات و دیگری ذکر توالی قصاید و قطعات براساس قافیه‌است. از آنجا که این نسخه با چاپ (س) تفاوتی ندارد برای پرهیز از تکرار مکرر آن در نسخه بدلها صرفاً به گزینش‌های متفاوت آن با نشانه اختصاری (ک) اکتفا گردیده‌است.

۱ - دیوان خاقانی، ویراسته میرجلال‌الدین کزازی، ص ۴.



تصویری از نسخه میج ۱- الف

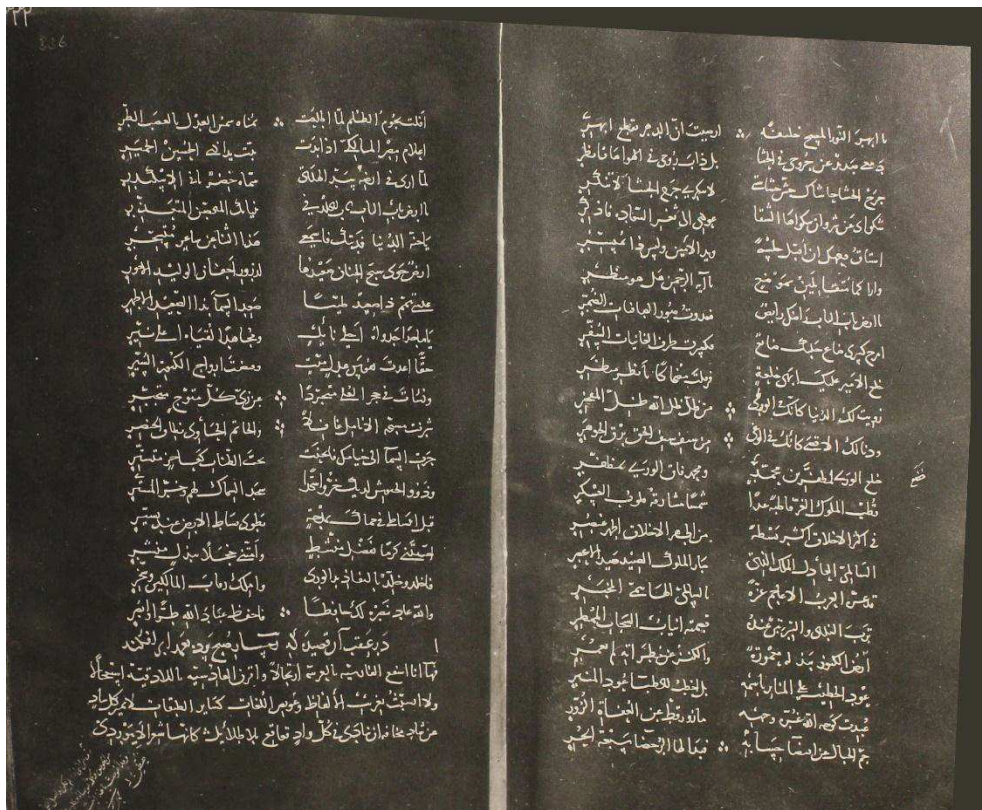




تصویری از نسخه مج ۱ - ب

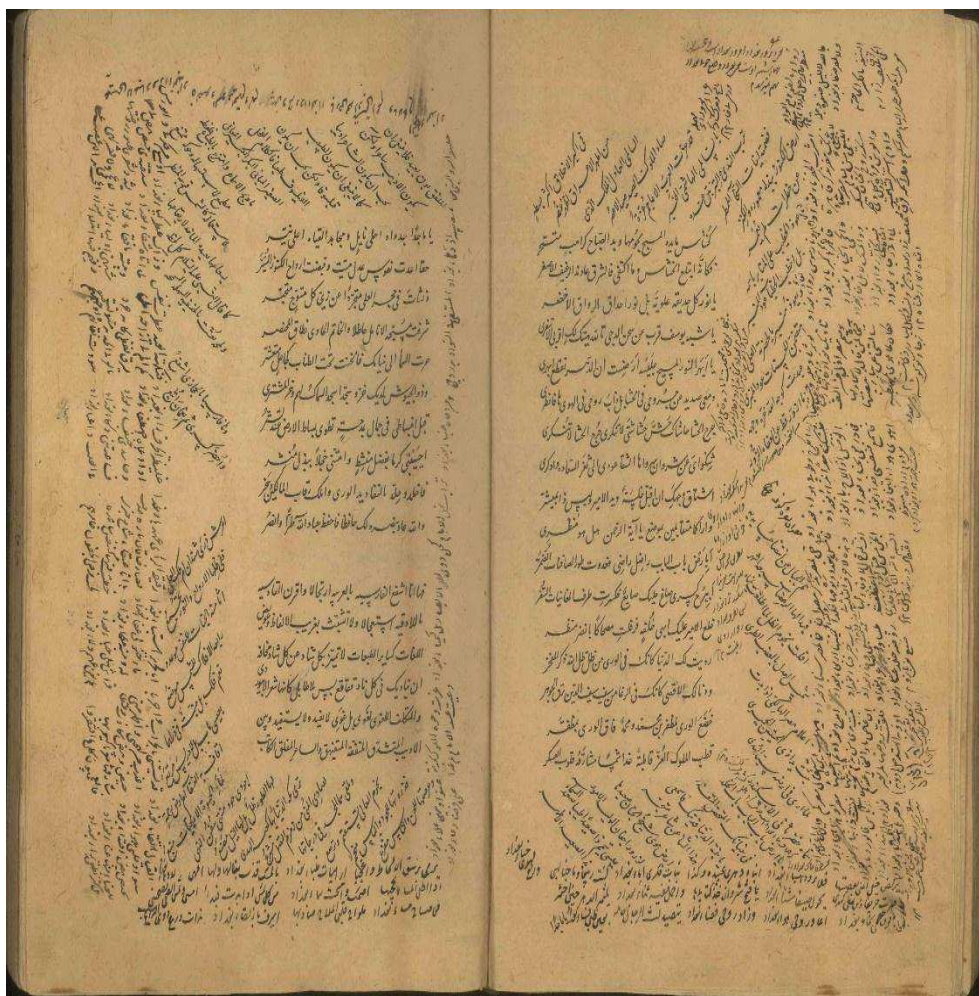


تصویری از نسخه ل - الف

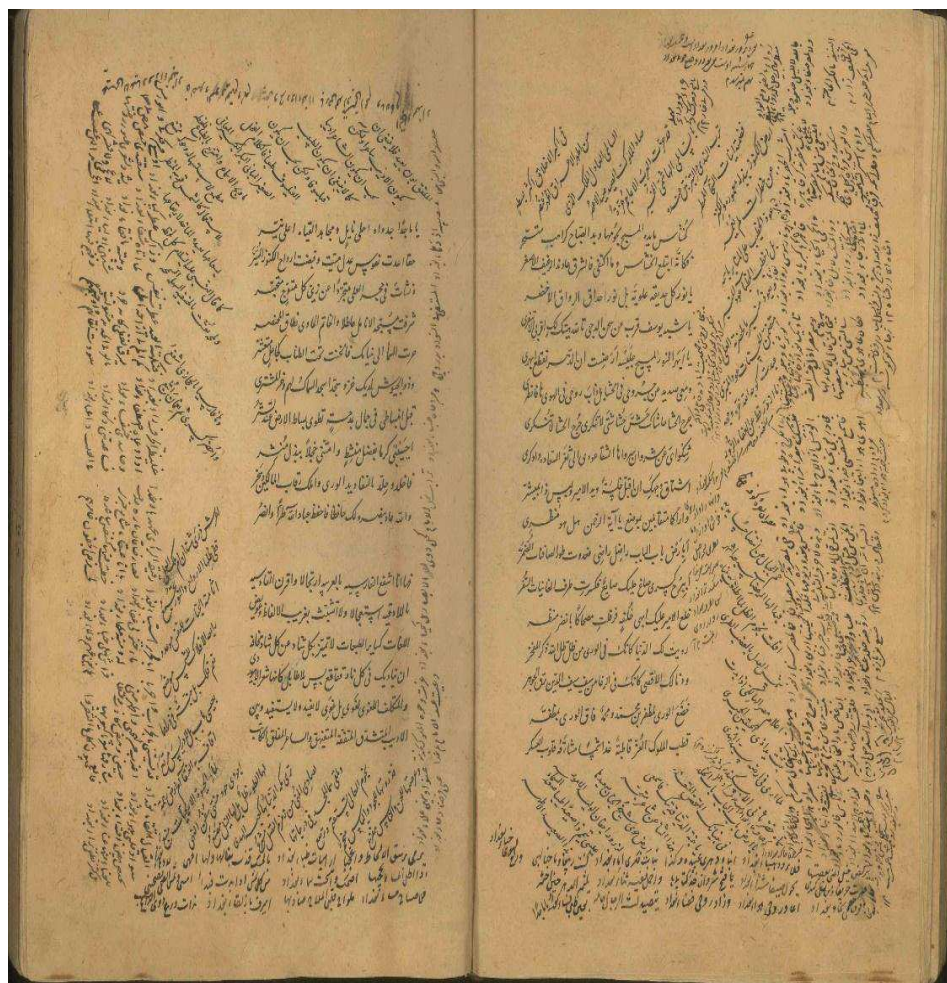


تصویری از نسخه ل - ب



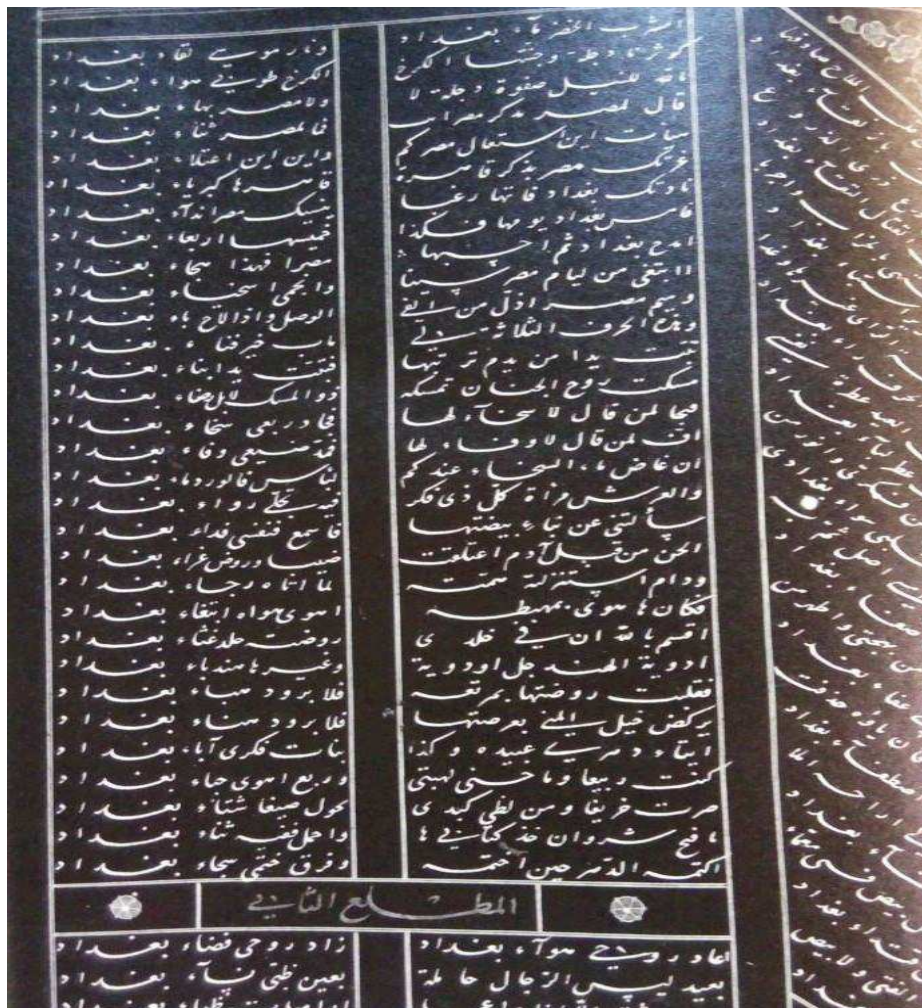


تصویری از نسخه مج ۲- الف



تصویری از نسخه مج ۲- ب





تصویری از نسخه پا



متن مصحح اشعار عربی

---

به انضمام شرح و ترجمه

این قصیده تازی به خواجه امام جلال‌الدین الخوارى رحمة الله علیه فرستد.<sup>۱</sup>

۱. بَكَتِ الرَّبَابُ فَقُلْتُ أَيُّ بُكَاءٍ<sup>۲</sup>      أَبُكَاءٍ عَهْدٍ أَمْ بُكَاءٍ إِخْءِاءٍ<sup>۳</sup>
۲. فَالْعَهْدُ لِلْمَرْبُوعِ الْجُودِ بِدَمْعِنَا<sup>۴</sup>      ثُمَّ الْإِخْءِاءُ لِرُمُورَةِ الْخُطْءِ
۳. عَيْنُ الْمَهْمَةِ بَكَتْ وَلَيْسَ مِنَ الْهُوَى<sup>۵</sup>      دَمْعُ الْمَهْمَةِ يَفِيضُ كَالْأَنْدَاءِ<sup>۶</sup>
۴. سُمُّ مُحَاجِرِهَا عَلَى وَقِيلَ لِي      تَرِيَاقُكُمْ فِي مَحْجَرِ الْعَيْنِاءِ<sup>۷</sup>
۵. أَتَهَمْتُ عُذْرِيَّ الْهُوَا عَفْأً وَلِي<sup>۸</sup>      بِسُوءِ تَهَامَةٍ تَهْمَةُ الْأَسْوَءِ<sup>۹</sup>
۶. فَرَمْتُ بِثَالِثَةِ الْأَثَافِي مُهْجَتِي      وَسَمَتَ بِرَابِعَةِ الْخِيَامِ دِمَاءِ<sup>۱۰</sup>
۷. سَقِيًّا لِجَارِ الْقَفْصِ وَالِدَارِ الْتَى<sup>۱۱</sup>      خَصَّتْ كَحَرْفِ الْعَقْصِ بِالْإِقْوَءِ<sup>۱۲</sup>

<sup>۱</sup> - این قصیده در مج ۲ نیست و ل فقط چهار بیت از این قصیده را دارد.

<sup>۲</sup> - ع: بکت الدیار

<sup>۳</sup> - ل: بکاء سخاء

<sup>۴</sup> - ل: للربع المحودخلوتنا/ پا: مربع الجود بعد معنا/ س و ع: للربع المحور بدمعنا

<sup>۵</sup> - ل: عین المهمة بدمع لیس للهوى

<sup>۶</sup> - مج ۱، پا و س: كالابداء/ متن بر اساس ل و ع است.

<sup>۷</sup> - مج ۱ و پا: العیاء/ ع: مرتافکم فی محجر القیساء/ ل: العیناء/ متن بر اساس س است.

<sup>۸</sup> - ع: الهمت عذری الهوى و عفانى/ مج ۱ و س: انهمت/ متن تصحیح قیاسی است. رک: توضیحات متن.

<sup>۹</sup> - ع: یتسوی تهامة بهمة السوداء/ پا: بسوى

<sup>۱۰</sup> - مج ۱، س: سبت/ متن بر اساس ع است.

<sup>۱۱</sup> - ع و س: سقیا لحاء العقص و الداء التی

<sup>۱۲</sup> - مج ۱ و پا: كحرف القفص/ س: خصب كحرف العقص بالاقواء/ ع: خصب كحرف العقص فی الاقواء/ متن تصحیح قیاسی است. رک: توضیحات متن.



۸. صَحْبِي تَعَالَوْا نَبْكُ فِي مُضَضِ الشَّجَى<sup>۱</sup>  
 ۹. وَطَوَّلَ مَكْرَمَةً وَرَسَمَ قُتُوَّةً<sup>۲</sup>  
 ۱۰. مُذْ قُوَضَتْ خِيَمُ الْمَكَارِمِ بَيْنَنَا<sup>۳</sup>  
 ۱۱. حَالِي كَمَا كَرِهَ الْآحِبَةُ بَعْدَهُمْ<sup>۴</sup>  
 ۱۲. جَمِدَتْ دُمُوعِي فَأَغْتَدَتْ ياقوتَةً<sup>۵</sup>  
 ۱۳. فَهَبِ اللَّالَى مِنْ أَجَاجِ أَصْلُهَا<sup>۶</sup>  
 ۱۴. سَنَحَتْ طُيُورُ النَّحْسِ مِنْ بَعْدِمَا<sup>۷</sup>  
 ۱۵. أَيَّامٍ فِي حَذْوِي رِياضُ سَنَابِلِ<sup>۸</sup>  
 ۱۶. كَثُرَتْ بَنَاتُ الْعَيْنِ مُذْ أَنْكَحْتُهَا<sup>۹</sup>
- جِيرَانِ أَنْصَافٍ وَرَبْعٍ وَقَاءِ<sup>۱۰</sup>  
 وَخِيَامِ مَعْرِفَةٍ وَنُؤَى صَفَاءِ<sup>۱۱</sup>  
 مَلَأَتْ دُمُوعِي نُؤَى كُلِّ خَبَاءِ<sup>۱۲</sup>  
 وَأَحَبَّ أَغْدَائِي مِنَ الْعُدُوءِ<sup>۱۳</sup>  
 نَيْطَلْتُ بَعْرُوهَ بَرَّتِي غَفْرَاءِ<sup>۱۴</sup>  
 هَلْ أَصْلُ ياقوتِ أَجَاجِ الْمَاءِ<sup>۱۵</sup>  
 وَدَعْتُ طَيْرَ السَّعْدِ مَعَ أَسْمَاءِ<sup>۱۶</sup>  
 أَنْسَ الظُّبَاءِ بِهَا وَأَيُّ ظُبَاءِ<sup>۱۷</sup>  
 طَيْفَ الْحَيِّبِ وَفِيهِ عَقْدُ بَقَاءِ<sup>۱۸</sup>

- ۱ - ع: فی غصص / پا: صحی تعالوا نبل فی مضض الشجی  
 ۲ - معج ۱ و پا و س: ایضاف / متن بر اساس ع است.  
 ۳ - ع: فطلول  
 ۴ - ع: قد فوضت  
 ۵ - ع: سوی کل حیا / پا: حیا  
 ۶ - پا: کما کن  
 ۷ - معج ۱: اعدای / متن بر اساس ع و س است.  
 ۸ - پا: حمدت... یاقومه  
 ۹ - معج ۱، پا و س: برتی / ع: بر فی غفراء / متن بر اساس ک است.  
 ۱۰ - معج ۱ و پا در هر دو مصرع: أحاج / متن بر اساس ع و س است.  
 ۱۱ - معج ۱: سخت طیورالفقس / پا و س: سخت طیورالنحس / ع: نبحت طیور النفس لی من بعدما / متن تصحیح قیاسی است.  
 ر.ک: توضیحات متن.  
 ۱۲ - ع: طرأ السعد  
 ۱۳ - معج ۱: یام فی خدی / پا: یام فی خدی / س: ایام فی خدی / متن بر اساس ع است.  
 ۱۴ - ع: انس طبائها  
 ۱۵ - معج ۱: بغات العین / ع: کرت بنات العیس مبدء نکحها / متن بر اساس پا است.

١٧. والطَّيْفُ لَيْسَ مِنَ الْقَرَارِ مُذْبَذَبٌ<sup>١</sup>  
 ١٨. مَابَالُ ذَاكَ الْجَفْنِ احْمَرَّ ناصِعاً<sup>٢</sup>  
 ١٩. فَعَجِبْتُ مِنْ هُنْدِيَّةٍ حَبَلَتْ وَقَدَّ<sup>٣</sup>  
 ٢٠. كَاللَّيْلِ أُمُّ النَّوْمِ حُبْلَى قَدْ رَمَتْ<sup>٤</sup>  
 ٢١. مِثْلُ الْعَنَاقِيدِ اتَّتَى أَلْوَانُهَا  
 ٢٢. مِنْ فَرْطٍ مَا لَظَّتْ بِاحْشَائِي اللَّظَى<sup>٥</sup>  
 ٢٣. قَالُوا أَلْهُوَى يَبْكِي بِلا عَيْنٍ بَلَى<sup>٦</sup>  
 ٢٤. كَالشَّمْسِ يَنْشَفُ مِنْ حَيَا اللَّيْلِ النَّدى<sup>٧</sup>  
 ٢٥. ضَحِكْتَ عَرُوساً مَقْلَتِي لَدَى الْبُكَاءِ  
 وَابْوَالِبَنَاتٍ مُذْبَذَبُ السَّوداءِ<sup>٨</sup>  
 أَدَمُ الْبِكَارَةِ أَمْ دَمُ النَّفْسَاءِ<sup>٩</sup>  
 زَمَعَتْ بِصَقْلَابِيَّةٍ حَمراءِ<sup>١٠</sup>  
 لِرِضَا أَبِي الْيَقْظَانِ بِابْنِ ذُكَاءِ<sup>١١</sup>  
 سُودٌ وَفِيهَا حُمرةُ الصَّهْبَاءِ<sup>١٢</sup>  
 نَارُ الْهُوَى تَبْكِي عَلَى أَعْضَاءِ<sup>١٣</sup>  
 يَبْكِي وَهَا عَيْنَاهُ حَرْفُ الْهَاءِ<sup>١٤</sup>  
 نَشَفَتْ دِمَاءَ كَبِدِي لَظَى أَحْشَاءِ<sup>١٥</sup>  
 وَالضَّحْكُ حُكْمُ الطُّفْلَةِ الْعَذراءِ<sup>١٦</sup>

١ - ع: طيف الخبيث

٢ - ع: والطيف كان مع القراء مديدة / يا: بذذب

٣ - ع: مديدة / يا: وايد البنات بذذب السوداء

٤ - ع: لون الجفن / يا: ما الجفن

٥ - يا: هندته جلّت

٦ - ع: رضعت بصقلاوية صفراء / يا: دمعت

٧ - يا: ام النوى جلى / ع: ام اليوم

٨ - يا: باين بكاء / ع: ارضا

٩ - ع: السوداء / يا اين بيت ندارد.

١٠ - ع: ما ولدت / يا: باحشاي

١١ - ع: نبكى

١٢ - مع ١، يا، س و ع: تبكى / ضبط مختار يبكى

١٣ - مع ١ و يا: يبكى / ع و س: تبكى

١٤ - ع: تقشف من خبا الليل الذى / يا: من دجا الليل السدى

١٥ - ع: على الاحشاء

١٦ - ع: حلم

۲۶. أَبْكِي وَأَضْحَكُ كَالسَّحَابِ وَأَقْتَنِي<sup>۱</sup>  
 ۲۷. قَالُوا أَتَبْكِي قُلْتُ أَبْكِي وَدُكُم  
 ۲۸. قَالُوا أَتَضْحَكُ قُلْتُ أَضْحَكُ مِنْكُمْ  
 ۲۹. غَدَرُوا بِنَا وَسَتَغْدِرُ الدُّنْيَا بِهِمْ<sup>۵</sup>  
 ۳۰. كَانُوا أَحِبَّائِي إِذَا كَانَ الْغَنَى<sup>۷</sup>  
 ۳۱. يَا صَاحِبِي اصْدُقْنِي بِحَقِّ إِخَاءِ  
 ۳۲. أَيُّنَ الْجَوَابِ أَاغْرَقْتَهُ مَدَامُ<sup>۱۰</sup>  
 ۳۳. عَجَّلْ إِبَابَةَ مُلْحِفِ دَاعِي الْهَوَى  
 ۳۴. قُلْ لَا سَرِيعاً قَبْلَ تَخْنِيقِي الْبُكَاءِ<sup>۱۲</sup>  
 ۳۵. إِنْ صَارَ اخْمَرٌ وَجْهَهُ مَنْ خَنَقَتْهُ<sup>۱۴</sup>  
 ۳۶. لَيْسَ الْهَوَى مَوَدَّةً لَمْ يَفْدِهَا<sup>۱</sup>
- حَالِي رَيْبِعُ الْهِنْدِ فِي الْأَنْوَاءِ<sup>۲</sup>  
 كُنْتُمْ أَوْدَائِي فَصِرْتُمْ دَاءِ<sup>۳</sup>  
 هَذَا جَوَابُ حَائِقِ الْأَغْدَاءِ<sup>۴</sup>  
 دَهْرٌ يُجَازِي الشَّرَّ شَرًّا جَزَاءِ<sup>۵</sup>  
 فَإِذَا افْتَقَرْتُ تَعَمَّدُوا بَغْضَاءِ<sup>۸</sup>  
 عُرِفَ الصَّدِّقُ مِنْ سُجْرَاءِ<sup>۹</sup>  
 أَمْ أَخْرَقْتَهُ سَمَائِمُ الصُّعْدَاءِ  
 لَا تَبِينُ مَا أَسْتُدْعِيَتْ بَعْدَ نِدَاءِ<sup>۱۱</sup>  
 وَتَدَارِكُ التَّخْنِيقَ بِالْإِرْخَاءِ<sup>۱۳</sup>  
 فَاخْمَرْ وَجْهِي مِنْ خُنَاقِ بُكَاءِ  
 أَحَدٌ وَيُنْشِدُ بَعْدُ فِي الْأَحْيَاءِ<sup>۱۴</sup>

۱ - پا: افتنی

۲ - ع: و تبع الهند/ پا: ربع، بدون اعجام حرف دوم.

۳ - پا: اوداء/ ع: دانی

۴ - ع: خائف

۵ - پا: و ستعذر/ ع: و استعذر

۶ - پا: یجاری، بدون اعجام حرف نخست/ ع: دهری

۷ - پا: كانوا اجای

۸ - پا: تعمدوا و بغضاء/ ع: يعمل و انقضاء

۹ - پا: عرف الصديق من السحراء (در پا مطلع ثانی از این بیت آغاز می شود)/ ع: اشممت عرف السحر من شجراء

۱۰ - پا: اعرفته

۱۱ - مج ۱ (لاتبین) بدون اعجام یاء است. / پا: لاتین / ع: لابس، و مصرع دوم بیت بعدی است. / س: لاتین

۱۲ - پا: تحتفی/ ع: یختنقی

۱۳ - پا: التحقيق بالارخاء/ ع: التحقيق بالارجاء و مصراع دوم بیت قبل است. / س: التخنيق بالارخاء

۱۴ - پا: انصار/ ع: خنقه

٣٧. هِيَهَاتَ طَلَّ دَمُ الْوَفَاءِ فَشَارَهُ<sup>٣</sup>      مِمَّنْ يُرَامُ وَمَنْ لَهُ بِبَوَاءِ<sup>٤</sup>  
 ٣٨. دِيَهُ الْوَفَاءِ وَرَاءَ أَحْبَاءِ مِنْ<sup>٥</sup>      الثَّقَلَيْنِ لَا الْأَثْقَالِ وَالْأَحْيَاءِ<sup>٦</sup>  
 ٣٩. دَعُذَا فَقَدْ نَشَدْتُهُ نَفْسِي قَبْلَكُمْ<sup>٧</sup>      فَتَحَبَّيْتُ عَنْ وَصْلَةِ الْعَنْقَاءِ<sup>٨</sup>  
 ٤٠. سَمَّيْتَنِي ابْنَ جَلَاءٍ وَإِنْ تُوْطِنَنِي<sup>٩</sup>      فَدَعَوْتَنِي فِي الْغُرْبَةِ ابْنَ جَلَاءِ<sup>١٠</sup>  
 ٤١. قَلْبِي كَظِيمٍ بَعْدَ شَوْلٍ نَعَامَتِي<sup>١١</sup>      عَنْ بَلَدَتِي وَالْدَّهْرُ ذَابِحُ شَاءِ<sup>١٢</sup>  
 ٤٢. قَضَمْتَنِي الدُّنْيَا بِأَنْيَابِ النَّوَى<sup>١٣</sup>      وَتَلَقَّعَتْ بِالْهَاءِ كُلَّ بَلَاءِ<sup>١٤</sup>  
 ٤٣. مَضَعْتَنِي الْأَوْطَانَ ثُمَّ لَفَظْتَنِي<sup>١٥</sup>      نَحْوَ الْبِلَادِ أَهْمٌ فِي الْيَهْمَاءِ<sup>١٥</sup>  
 ٤٤. مَضَغُ كَالْتَمَرِ لَفْظُ كَالنَّوَى<sup>١٦</sup>      هَاتِيكَ شِيْمَةً بَلَدَتِي الشَّمَاءِ<sup>١٧</sup>

١ - ع: نفس الهوى بمودة لم تعدها/ يا: نفس الهوى مودة لم يعدها

٢ - يا: و ينشى بعد

٣ - مع ١، س و ك: ظُلُّ / ع: ظل ... وفارة/ متن تصحيح قياسي است. رك: توضيحات متن.

٤ - يا: يراه/ ع: بنواء

٥ - ع: و به الوفاء وراء احياء من/ مع ١ و س: اخبا/ يا: احياء ورا من/ مع ٢: احياء

٦ - ع: لالا يقال و الاحياء

٧ - يا: و فقد/ ع: و قد سدته

٨ - يا: فتحبيبت/ ع: فخشيت

٩ - يا: اين جلا و اين توطني/ ع: اين خلا

١٠ - يا: اين جلاء/ ع: في العروة اين جلاء/ ك: اين جلاء

١١ - مع ١، س و ك: شوک نعامتي/ ع: بعد سؤل يعاتبني/ يا: شول فعامتي/ متن تصحيح قياسي است. رك: توضيحات متن.

١٢ - ع: عن بلدتي و ذابح شاء

١٣ - ع: فصبي الدنيا نائبات الهوى/ يا: فضمتني الدنيا باسباب/ مع ١ و س: فضمتني/ متن تصحيح قياسي است. ر. ك: توضيحات متن.

١٤ - يا: بالهاء، و تلففت بلهاء و كل بلاء

١٥ - ع: اين بيت ندارد./ مع ١ در حاشيه نوشته: ام هيم

١٦ - ع: تصنع كصنع التمر لفظ كالعوى/ يا: مضغ له كالتمر/ مع ١: كما التمر و در حاشيه نوشته: كالتمر

١٧ - يا: الشيماء/ ع: بلدة السماء

۴۵. کَالْبَحْرِ يَخْطِفُ كُلَّ حَيٍّ مَوْجُهُ<sup>۱</sup>  
 ۴۶. غَصَّ الْبِلَادُ بِوَقْفَتِي فَاسْتَقَيْتُهَا<sup>۲</sup>  
 ۴۷. فَدَرَعْتُ بُرْدَ اللَّيْلِ ثُمَّ خَرَقْتُهُ<sup>۳</sup>  
 ۴۸. حَتَّى بَدَتِ الصُّبْحُ فِي كُمِّ الدُّجَى<sup>۴</sup>  
 ۴۹. فَالْصُّبْحُ أَمْلَى الدِّيكَ سُورَةً وَالضُّحَى<sup>۵</sup>  
 ۵۰. حَمَلْتُ إِلَى حَمَامِي كُتُبَ الْحِمَى<sup>۶</sup>  
 ۵۱. غَنَوْنَهَا نَعَى الْكِرَامِ فَوَيْلَتِي<sup>۷</sup>  
 ۵۲. خَنَقْتَنِي الْعَبْرَاتُ حَتَّى خِلْتَنِي<sup>۸</sup>  
 ۵۳. أَلْقَتْ حَوَامِلُ مُقَلَّتِي أَجْنَةً<sup>۹</sup>  
 فَيَمَجُّهُ مَيْتًا بِكُلِّ عَرَاءِ<sup>۱۰</sup>  
 بِمَدَامِ شُرِقَتْ بِهَا وَجْنَاءِ<sup>۱۱</sup>  
 بِيَدِ السُّهْلِ لِيُرْقَعَ الْبَيْدَاءِ<sup>۱۲</sup>  
 كَمْ مِنْ خَضِيبٍ مِنْ يَدِ شَلَاءِ<sup>۱۳</sup>  
 لِبُلَابٍ سَوِطٍ ضَاعَ فِي الظُّلْمَاءِ<sup>۱۴</sup>  
 فَبَادَرَتْ كَفِّي بِفِكَ سِحَاءِ<sup>۱۵</sup>  
 شَمِيتَ اللَّثَامُ بِمَوْقَةِ الْكُرْمَاءِ<sup>۱۶</sup>  
 قَدْ خَنَقْتَنِي حَيْرَتِي بِرِدَاءِ<sup>۱۷</sup>  
 أَكْفَانُهَا ذَبْلِي لِذِي الْإِلْقَاءِ<sup>۱۸</sup>

۱ - ع: كالبرق / مج ۱ و س: موجة / ع: موجه

۲ - پا: فيمحه ميتا بكل غداء / ع: فيمحه ميتا بكل عزاء

۳ - ع: غصن البلاد توقفني فاسقها / پا: عض البلاد بوقفني فاسعتها

۴ - ع: هذا الشهاد بسرقة البيداء

۵ - پا: يرد الليل ثم حرقتة / مج ۱: يرد / س: يود / انتخاب (برد) از ک است.

۶ - پا: لبرقع / ع: اين بيت را ندارد.

۷ - ع: حتى بدا

۸ - ع: كم من قضيب من يد شلاء / مج ۱ و س: يد سلقاء / پا: يد السلقاء / انتخاب (يد شلاء) بر اساس ع است.

۹ - پا: الدليل صورة / ع: فالصبح املی الديك / مج ۱ و س: فالصبح الديك

۱۰ - ع: بطلاب سوط صاغ في الطلباء

۱۱ - پا: كسب الحمى / ع: الى حمامي

۱۲ - ع: و تبادرت كفي بفك سجاء / پا، مج ۱ و س: سماء

۱۳ - ع: نفى الكرام / پا و س: بغى الكرام

۱۴ - ع: سميت اللثام لموقه الكرماء

۱۵ - پا: حنقتني

۱۶ - پا: قد حنقتني / ع: قد خيفتني

٥٤. كَمْ لِي ثَوَاءُ النَّفْسِ فِي حَرَقِ الْجَوَى<sup>١</sup>  
 ٥٥. فَارَقْتُ شَرَوَانَ اضْطِرَاراً فَاشْتَهَتْ<sup>٢</sup>  
 ٥٦. غَرَقْتُ بِمَوْجِ الْبُعْدِ فُلُكُ أَقَارِبِي<sup>٣</sup>  
 ٥٧. اخْتَارُ صَحْرَاءَ الْفَرَاغِ مُخَيَّمِي<sup>٤</sup>  
 ٥٨. يَتَحَوَّلُ الْبَحْرُ الْمُحِيطُ بَعْمَقِهِ<sup>٥</sup>  
 ٥٩. أَطْنَابُ خَيْمَةِ هِمَّتِي مَمْدُودَةٌ<sup>٦</sup>  
 ٦٠. وَصِلْتُ بِحَبْلِ اللَّهِ لَكِنْ شُدَّتْ<sup>٧</sup>  
 ٦١. أَنَا مُنَحْنٌ كَالنُّوَى لَكِنْ لَمْ أَقِفْ<sup>٨</sup>  
 ٦٢. أَجْرِي سُيُولاً مِنْ هَوَاطِلٍ لَهْجَتِي<sup>٩</sup>  
 كَمْ لِي رُكُوبُ الْبَحْرِ فِي النَّكْبَاءِ<sup>١٠</sup>  
 نَفْسِي بِتَبْرِيْزِ اخْتِيَارِ ثَوَاءِ<sup>١١</sup>  
 فَلَقَارِبِي لَا بُدَّ مِنْ إِرْقَاءِ<sup>١٢</sup>  
 بَلْ خَيْمَتِي جَلَّتْ عَنِ الصَّحْرَاءِ<sup>١٣</sup>  
 لِمُخَيَّمِي نُؤِيّاً مِنْ الْآثَاءِ<sup>١٤</sup>  
 حَتَّى ظِلَالِ السَّيْدَةِ الزَّهْرَاءِ<sup>١٥</sup>  
 فِي غُصْنِ طُوبَى وَاسِعِ الْأَفْيَاءِ<sup>١٦</sup>  
 كَالنُّوَى حَوْلَ خِيَاءِ أَهْلِ حَيَاءِ<sup>١٧</sup>  
 فِي نُؤَى هَذِي الْخَيْمَةِ الزَّرْقَاءِ<sup>١٨</sup>

١ - يا: ملقتي / ع: التي حوامل مقلتي اخيته

٢ - ع: اكفى بها و ملئ لدى الالتقاء / يا و س: اكفاتها

٣ - ع: كم لي نوى النفس في جوف الجوى / س: نواً

٤ - يا: في البكاء

٥ - يا: فاشبهت

٦ - ع: سواء

٧ - يا: عرفت بموج فلك اقاربي / ع: عرفت موج الشعر ملك امارتي

٨ - خلقاء بي لا بد من ارقاء

٩ - يا: صحن الفراغ مختمي

١٠ - ع: حلت على الصحراء

١١ - مع ١ و س: بعمقه / يا: يتحرك ... بعمقه / ع: يتحول ... بعمقه.

١٢ - ع: لمخيمي نوى يا من الآثاء

١٣ - يا: سددت / ع: و وصلت حبل الله لكن سودت

١٤ - يا: انا سخن / ع: اما منحي

١٥ - يا: كالنوى حول جنا اهل جناء / ع: حمل حياء اهل حياء

١٦ - ع: احدى سؤلا من مواطل بهجتي / يا و س: بهجتي

۶۳. اَنَا هَائِمٌ أَوْرَدْتُ يَنْبُوعَ الْمُنَى<sup>۲</sup>      فَحَرَمْتُ مَاءً ثُمَّ رَضَّ إِنَائِي<sup>۳</sup>
۶۴. فَإِذَا انْقَلَبْتُ إِلَى قَلِيبِ قَنَاعَتِي<sup>۴</sup>      خُرَقْتُ سِجَالِي ثُمَّ جُذَّ رِشَاءِي<sup>۵</sup>
۶۵. مَحْسُودٌ أَبْنَاءِ الرِّذَالَةِ عَائِدٌ<sup>۶</sup>      مِنْ أُمَّهَاتِ الْكَوْنِ بِالْأَبَاءِ
۶۶. فَالْأُمَّهَاتُ إِذَا قَصَدْنَ خِيَانَةَ<sup>۷</sup>      كَيْفَ انْتَظَارُ أَمَانَةِ الْأَبْنَاءِ<sup>۸</sup>
۶۷. شَرَفِي بِمَاءِ الْعِلْمِ بَلَّ غَرْفِي بِهِ<sup>۹</sup>      غَرِقَ الْمُحْيَا لِي بِمَاءِ حَيَاءِ<sup>۱۰</sup>
۶۸. فَقَبِلْتُ عِلْمًا أَنْ عِلْمِي قَاتِلِي<sup>۱۱</sup>      وَ الْقَتْلُ إِخْيَاءُ لَدَى الْعُلَمَاءِ<sup>۱۲</sup>
۶۹. كَالشَّمْعِ يَنْقُصُ حِينَ زَادَ لَهْيُهُ<sup>۱۳</sup>      مَا قَدْ نَمَى عِلْمِي ذَوَى حَوْبَائِي<sup>۱۴</sup>
۷۰. سَيِّانٍ لِي مُذْ جَفَّ رَوْضُ مَطَامِعِ<sup>۱۵</sup>      غَيْثُ الْكِرَامِ وَ خُلْبُ الْبُخْلَاءِ<sup>۱۶</sup>
۷۱. مَنْ صَارَ مَكْفُوفًا سَوَاءً عِنْدَهُ<sup>۱۷</sup>      فِي الشَّهْرِ لَيْلُ سَوَائِهِ وَ بَرَاءِ<sup>۱۸</sup>

۱ - مج ۱، س و ک: نوء / متن بر اساس پا و ع است.

۲ - ع: انا ها ثم اوردت متنوع المنى

۳ - پا: ما ثم / ع: فحرمت ها ثم يمين اناء / مج ۱: اناء، و در حاشیه نوشته: اناء

۴ - ع: فاذا انقلبت فليت قناعتي

۵ - پا: حرقت... جذ رشاء / ع: عرفت سجالى ثم حد رشاء

۶ - مج ۱: غایة / پا: عاید / متن بر اساس ع و س است.

۷ - ع: قصدت حیوته

۸ - امامة الاحياء

۹ - پا و س: شرفى بماء / ع: شربنى بماء العلم بل عرفى به

۱۰ - پا: المحيال / ع: عرف المحيا بماء حناء

۱۱ - پا: فقلبت / ع: فضلت علما ان علمى قاتلى

۱۲ - پا: لذى / ع: و القيل احبى الذى من العلماء

۱۳ - پا: كهيبه

۱۴ - ع: ما قدنمى على

۱۵ - پا: سان لى مدجف / ع: قد هان لى مذ جف روض مدامعى

۱۶ - پا: النخلاء / ع: و ضنة البخلاء



۷۲. قَدْ كُنْتُ أَضْلَبُ صَعْدَةً بِيَدِ الصَّبِيِّ ۳  
 ۷۳. كَلَّفْتُ تَوْذِيحَ الشَّبَابِ وَقِيلَ لِي ۵  
 ۷۴. لَوْ كَانَ لِلنَّفُوسِ حَالٌ مُتَّقِفٌ ۷  
 ۷۵. لَا عَيْبَ فِي عَوَجِ الْقِسِيِّ وَإِنَّمَا ۹  
 ۷۶. لَزِمْتُ حُصِّي قَبْلَ خُصِّ بِهِ الْغَنَى ۱۱  
 ۷۷. مَا شِيمَتِي الْخِيَلَاءُ لَكِنْ هِمَّتِي ۱۳  
 ۷۸. طَلَقْتُ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثًا بَتَّةً ۱۵  
 ۷۹. عُمَرُ قَصِيرٌ وَالْمَوَاعِدُ خُدْعَةٌ ۱۷
- أُنَمَّى فَبَدَلَ بِالذُّبُولِ نَمَاءً ۴  
 هَذَا تِقَافُ الصَّعْدَةِ السَّمَاءِ ۶  
 فَالْدَّهْرُ قَوَسَ سَنِي وَتَقَّفَ دَاءٌ ۸  
 مَعْنَى مِنَ التَّقْيِيفِ وَالْعَوْجَاءِ ۱۰  
 وَغَضَضْتُ طَرْفِي قَبْلَ ذِي الْخِيَلَاءِ ۱۲  
 ذَاتُ الْغِنَى وَبَقَّرَ اسْتِغْنَاءُ ۱۴  
 مِنْ غَيْرِ رَجَعَتْهَا وَلَا اسْتِثْنَاءُ ۱۶  
 وَخَدِيمَتِي يَغْتَرُّ بِالزَّبَاءِ ۱۸

۱ - ع: فسواء

۲ - پا: و میراء / ع: فی السهد لیل سدارة و سمراء / مج ۱: یراء، و در حاشیه براء نوشته است.

۳ - پا: قدكنت اصلت سعدة بیدی الصبی / ع: شعره بید الفتی

۴ - پا: فبذل بالذبول / ع: فی الذیول نماء / مج ۱ در حاشیه فندل نوشته است.

۵ - پا: الشتاب / ع: الثیاب

۶ - پا: السماء / ع: هذا النفاق نفاق الصعدة السمراء

۷ - ع: للمنقوش حال تسقف

۸ - پا: و تفقدا / ع: فالدهر قومنی و تفعدنی بفقدا / مج ۱ در حاشیه نوشته: و تفقدا

۹ - ع: الفتی نفسی و انما

۱۰ - پا: معنا من التقیف / ع: یغنی من التسقیف / مج ۱ در حاشیه نوشته: من التقیف

۱۱ - پا: لازمتم حصتی قبل حصن به الفتی / ع: لازمتم حصنی قبل حصن بالفتی

۱۲ - پا: ذوالخیلاء / ع: و عضضت طرفی قبل ذوالحملاء / ک: ذوی الخیلاء

۱۳ - پا: ما شیمت / ع: ما سمنی الجلساء

۱۴ - پا: و نقص استغناء / ع: و بفقری

۱۵ - پا: ثلثة / ع: طلعت دنیاکم بلبانه

۱۶ - ع: رحبتها

۱۷ - ع: لمواعید خدعته

۱۸ - مج ۱: و خدیمتی یغتر بالزباء / پا: و خدعتی یعتر بالریاء / ع: و حدثتنی تفسیرها بالزباء / س: و خدیمتی یغتر بالزباء